کارگر تبعیدی

ارگان

انجمن کارگران تبعیدی ایرانی

شماره ۹

مرداد ماه ۱۳۶۹

ویژه تدارک مجمع عمومی

به دفاع از مبارزات کارگران ایران برخیزیم!

سخنی با اعضای انجمن

انجمن کارگران تبعیدی ایرانی ابتدا با نام جنبش دفاع از حقوق سندیکایی کارگران ایران کار خود را آغاز کرد. انتخاب نام اولیه برای این تشکل از آن جهت بود که کارگران ایرانی پناهنده و مهاجر با تجمع خوداز حقوق سندیکایی ـ صنفی ومبارزاتی کارگران ایران به دفاع برخاسته و با تشریح مشکلات و معضلات کارگران ایرانی برای کارگران کشورهای دیگر، حمایت و پشتیبانی آنان را از کارگران ایران جلب نمایند. تا مقطع نخستین مجمع عمومی که در سپتامبر سال گذشته برگزار گردید، هیئت مؤسس این تشکل برای گردآوری کارگران ایرانی در خارج از کشور تلاش نمود. هیئت مؤسس تابرگزاری

درصفحه ۳

دو اعتراض :

ـ آیا کارگران فقط مرد هستند ؟

ـ مال خودم مال خودم، مال دیگران هم مال خودم !

● آیا کارگران مرد هستند! مدتهاست که با کلمه‌ای در نوشتجات و نشریات کارگر تبعیدی مواجه هستیم و آن این است که وقتی میخواهند از کارگران صحبت کنند و یا آنهارا فراخوان بدهند از لفظ "برادران کارگر" استفاده میشود. این کلمه در پلاتفرم و اکثر نشریات ، مقالات و اعلامیه‌ها مستتر میباشد. کلماتی ازاین قبیل " ما سالها دوش بدوش برادران کارگر مبارزه کرده‌ایم"، "باید بفکر برادران کارگرمان در ایران باشیم" برادران جهانی ما"، "برادران تنی ما در ایران" ، " برادران ما در دیگر کشورها". خلاصه از این دست کلمات و جملات به وفور یافت میشود.

درصفحه ۹

چشم‌انداز حرکت ما

از هنگامی که ایده جمع و جور کردن و متشکل نمودن کارگران مهاجر و تبعیدی ایرانی شکل گرفت و با اولین فراخوان آن در اول ماه مه سال ۸۸ نمود بیرونی پیدا کرد ، همواره این سئوال اساسی در برابر ما قرار داشته که حرکت ما تا چه اندازه با منافع واقعی کارگران همخوانی و هم جهت بوده و تا چه حد بر زمینه های مادی فعالیت در خارج کشور استوار است ؟

آیا ما بیهوده آب در هاون می کوبیم ؟ آیا متشکل شدن تعدادی از

درصفحه ۲

پیشنهادی برای چگونگی فعالیت آینده انجمن

راستش برای من و هر رفیق دیگری که بخواهد با این تشکیلات همکاری داشته باشد می پرسدکه:

۱ ـ برای چه ما میخواهیم دور هم جمع شویم و هدف ما از بر پایی این تشکیلات چیست ؟

۲ ـ ما بعنوان بخشی از کارگران ایرانی که تبعید شده‌ایم چه نقشی را باید در جنبش کارگری ایران داشته باشیم؟

۳ ـ ما بعنوان کارگرانی که در یک محیط ناآشنا با همه مشکلات و خطراتی که مارا تهدید میکند چه جوابی برای حل مشکلات درحال حاضر خودمان و کارگران جوانی که تازه در خارج از ایران بهکارگری رو آورده‌اند داریم؟

۴ ـ نقش ما در جنبش بین المللی طبقه کارگر چه میتواند باشد؟

درصفحه ۵

چشم انداز و فعالیتمان را اصلاح سازیم !

در مجمع عمومی دوم که اوایل سال جاری تشکیل شده بود ، بحثها و گفتگوهای متفاوتی حول یک پلاتفرم، اساسنامه و کلا نحوه فعالیت انجمن صورت گرفت و در همان جلسه قراربر این شد که برای روشن ترشدن این مباحث بخشی ازآنها را به نشریه منتقل کنیم تابتوانیم در مجمع عمومی بعدی به نتایج روشن تری دست پیداکنیم. متاسفانه من قدری دیر به قول خود عمل کردم و از این بابت از همگی پوزش میطلبم.

در این نوشته من سعی میکنم خطوط کلی حرفهایم را و اشکالات و کمبودهایی که در پلاتفرم انجمن و نحوه فعالیت آن میبینم را بازگو نمایم .

۱ ـ کارگران تبعیدی و کمیت و کیفیت آن : برای اینکه ما از هر

درصفحه ۱۰

زنده باد تشکلهای مستقل کارگری!

www.iran-archive.com

چشم انداز حرکت ما

ازصفحه ۱

کسانی که روزگاری در ایران کارگر بوده اند و به اعتبار گذشته خودشان امروز در خارج کشور جمع شده اند ،نفعی بحال طبقه کارگر دارد ؟ آیا ساختن این تشکل ، هم چون بسیاری از تشکلهای باصطلاح "دموکراتیک" از ذهن عده ای بیرون نیامده و از یک زمینه مادی و اجتماعی بر خوردار است ؟ چرا فقط کارگران باید دور هم جمع شوند ،چرا دیگران نمی توانند عضو این تشکل شوند ؟ آیا این تشکل ،باز هم مانند بسیاری تشکلهای "دموکراتیک" دیگر ،مامن ولانه گرایشات غیر کارگری ، ناسیونالیستی وغیره شده (و یا خواهد شد) وغیره وغیره .

اینها ودهها سئوال دیگر هر روز از گوشه وکنار در برابر ما قرار می گیرد و ما را وامی دارد که با ترسیم چشم انداز حرکت خودمان ،تا حد امکان باین ابهامات وسئوالات پاسخ گوئیم.

چرا انجمن کارگران ونه انجمن طرفداران حقوق کارگر!

واقعیت اینست که امروز ، ۱۱ سال بعد از بقدرت رسیدن رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی وبیش از ۸ سال پس از سرکوب شدید جنبش کارگری وانحلال شوراها و سندیکاها وسایر تشکلهای مستقل کارگری که بعد از قیام بهمت پیشروترین رهبران کارگری شکل گرفته بودند وتعقیب و اخراج وبازداشت وسرکوب و اعدام بسیاری از فعالین کارگری ،شمار کثیری از رهبران شناخته شده وپیشروان کارگری مجبور به مهاجرت شده وبا فروش آخرین وسائل ناچیز زندگی خود وبا کمکهای بید ریغ رفقای کارگر خود ، خود را به خارج مرزهای ایران رسانده وخوش شانس ترین آنها ،موفق شده اند با هزار زحمت و مشقت در کشورهای باصطلاح پناهنده پذیر اروپایی وآمریکا سکنی گزینند و تازه بعد از این همه مشقت ،انواع گوناگون بی حقوقی فشار ، تبعیض وبیکاری وغیره در این کشورها در انتظارشان می باشد .

بغیر از این حیل عظیم پناهندگان ایرانی ،که بعد از سالهای ۶۰ و از ستم رژیم ضد مردمی ودیکتاتوری مذهبی جمهوری اسلامی گریخته اند وغالبا به طبقات متوسط وپائین جامعه ما تعلق دارند ، در اینجا با فقیرترین اقشار این جوامع همکاسه شده وبا کارگران ومزدبگیران این کشورها هم سرنوشت می گردند .

از جانب دیگر فشار خرد کننده و سیستماتیک جوامع سرمایه داری به مهاجرین وپناهندگان وکارگران خارجی ودر تقابل با این فشارها وتبعیضات گوناگون اجتماعی ونیز تعرض جریانات وگروههای راسیستی ونژاد پرست که تبلیغات خود را بر محور ضدیت با خارجیان واخراج آنها قرار داده اند ،کارگران خارجی ومهاجر و پناهنده ها در تشکلهای خود مجتمع شده وبرای دفاع از منافع خویش ، سازمانهای گوناگون مهاجرین وپناهنده ها وکارگران خارجی را بوجود می آورند . هرچند در بیشتر این تشکلها ودر مقابل تهاجم سیاسی ایدئولوژیک واخلاقی جامعه میزبان ، لاک دفاعی ناسیونالیسم وبه گذشته می خود افتخار کردن آسانترین سپر دفاعی خارجیان می باشد که اغلب بآن توسل جسته اند و این گرایش عملا توسط جریانات ضد کارگری هم تقویت می شود .

اما در همان حال هستند بسیاری از این تشکلها که در کنار سازمانهای کارگری و همدوش با آنها از منافع کارگران خارجی و خارجیان وپناهنده ها دفاع می کنند ، زیرا بعینه می بینند این تنها تشکلهای کارگری هستند که اغلب پرچم دفاع از حقوق خارجیان را برداشته ،خواهان حقوق برابر یک شهروند ورفع تبعیضات شغلی واجتماعی وغیره برای آنها می باشند .

در میان حیل عظیم کارگران خارجی و مهاجرین،پناهندگان ایرانی از وضعیت کم و بیش متفاوتی برخوردارند : بعد از سالهای سرگردانی وگرفتاریهای اولیه استقرار،آنها تازه تازه دارند پایشان روی زمین می آید و رفته رفته طی پروسه طولانی تری نسبت به ملیتهای دیگری از قبیل ترکها ،یوگسلاوها ، الجزایری ها ،هندی ها وپاکستانی ها در انگلستان وغیره که از همان ابتدا برای کارگری مهاجرت کرده بودند وخیلی زود به کارگر مهاجر وباصطلاح "کارگرمهمان" تبدیل شدند ،خود را با شرایط جدید وفق می دهند .

حال با توجه باین واقعیات که اغلب این پناهندگان ایرانی یا خود کارگربوده اند و یا بزودی به کارگر تبدیل خواهند شد ، چرا نباید کارگران مهاجر وپناهنده ها برای خود تشکلی داشته باشند ،تشکلی که در کنار سازمانهای کارگری کشور میزبان و جزیی از آن ،از منافع کارگران دفاع کنند ، نیرویی بشوند که سرنوشت خود را به جنبش کارگری این کشورها گره زده باشند و هر درجه بهبود در زندگی کارگران این کشورها بطور مستقیم بر زندگی آنها نیز تاثیر داشته باشد وخودشان نیز در راه این بهبود وضعیت زندگی خود وسایر کارگران کوشیده باشند .*

از سوی دیگر،کارگران مهاجر وپناهنده ایرانی از سرزمینی بلا دیده واز رژیمی جهنمی گریخته اند ،رژیمی که کوچکترین اعتراض کارگری را تحمل نمی کند ، اجزاء کمترین تشکل به کارگران نمی دهد ، بهیچ کدام از مقررات وقوانین شناخته شده بین المللی گردن نمی گذارد ،درجایی که حتی در سیاه ترین دیکتاتوریهای آمریکای لاتین وترنیه ویونان زمان سرهنگها ،تشکلها وسازمانهای کارگری در بدترین شرایط بحیات خود ادامه میدادند ،در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی ،اصولا هیچ تشکل مستقل کارگری سوای آنچه که رژیم برای کارگران سرهم بندی کرده وارگان جاسوسی وسرکوب کارگران می باشند ،وجود ندارد .

در چنین وضعیتی آیا ما کارگرانی که از این جهنم گریخته ایم نباید گوشه ای از

درصفحه ۴

* این نکته بارها در سخنان رهبران جنبش کارگری اروپا وآمریکا بیان شده است از جمله یکی از رهبران جنبش کارگری آمریکا چری تاکر(JERRY TUCKER) در پاسخ سئوال نشریه کارگر امروز در رابطه اینکه کارگر مهاجر ایرانی چگونه می تواند به جنبش کارگری آمریکا کمک کند چنین می گوید: "کارگر مهاجر جدا از اینکه از کجا آمده باشد در هر کجا که کار می کند باید به تشکل کارگران موجود در محل کارش بپیوندد ودر آن فعالیت کند . ما میخواهیم که کارگر مهاجر در این تشکلها در کنار نیروی مترقی و رادیکال قرار گیرند وبخشی از مطالبه عمومی برای تغییر وبهتر کردن کل وضعیت کارگری باشند" (به نقل از نشریه کارگر امروز ــ شماره ٤ ــ صفحه ۹) .

www.iran-archive.com

سخنی با اعضای انجمن

ازصفحه ۱

نخستین مجمع عمومی، ۵ شماره نشریه تشکل (کارگر تبعیدی) انتشارداد، که بوسیله آن اهداف و ضرورت این تجمع کارگری را تشریح نمود. در این مجمع عمومی پلاتفرم جدید، و نیز تغییر نام تشکل به تصویب رسیدو برای یک دوره کوتاه یک هیئت اجرائی موقت برگزید تا در دومین مجمع عمومی اساسنامه انجمن را تصویب نماید. مجمع عمومی دوم در تاریخ ششم و هفتم ژانویه ۹۰ تشکیل شد، که طی آن اساسنامه انجمن از تصویب اکثریت اعضاء حاضر گذشت. اما اقلیت حاضردر مجمع عمومی مسائل و شیوه فعالیتی را مطرح ساختند که مورد توجه مجمع عمومی قرار گرفت و حول آن بحث و گفتگوی قابل توجهی صورت گرفت. در پایان این بحث قرار شد که این بحث جدید از جانب رفقایی که آنرا طرح نمودند در سطح انجمن جاری شده وبا ابراز نظرات مختلف، بحث پخته‌ای همراه با یک جمعبندی جامع به مجمع عمومی آینده برده شود و درآنجا نتایج حاصله سر فصل جدیدی برای فعالیت دور آتی مان باشدامابا تاسف یادآوریم و درخواستهای مکرراعضاءهیئت اجرائی از این رفقا، متاسفانه تا کنون بحث مذکور مسکوت گذاشته شده وشماره‌های بعدی نشریه ما فاقد چنین بحثهایی بوده است. اما انجمن همچنان بمنظور پیشبرد اهداف خود تلاش خود را ادامه داده و تعدادااعضاء آن در طی این مدت بیش از ۶ برابر شده است. در واقع مشکل اولیه انجمن، تشریح اهداف و ضرورت فعالیت انجمن برای رفقای جدید بوده که در این زمینه موفقیت هایی بدست آوردیم، اما مشکل جدی همانا پیشبرد عملی فعالیت ــ یعنی حضوردرتشکل های کارگری این کشورهاو همکاریهای متقابل با آنان و جلب پشتیبانی عملی آنان ما فاقد هر گونه تشکل واقعی و مستقل خود کرده و میکند که هیچ کس، هیچ حزب، هیچ از کارگران ایران ــ در مجموعه فعالیت انجمن هستند. علاوه بر مشکلات مبتلا به کارگران طبقه و قشر اجتماعی ــ حتی اگر ثناگوی طبقه بوده، کــــه همچنان ادامه یافته است. کشور ما، خود کارگران پناهنده و مهاجر نیز کارگر باشند ــ گامهای جدی و اساسی بر ا ی نیازی به تکرار ندارد که کارگران ایران دچه مشکلات خاص خود را دارا میباشند. با توجه کارگران برنمی دارند، مگر آنکه خودکارگران در شرایط دهشتناك و اسفباری زندگی، کار و به اینکه آنچه تاکنون گفته یا نگفته ویا کم پیشاپیش آن قرار گرفته باشند. نمونه بارزاین مبارزه میکنند و در حالیکه هم اینك تنها در گفته ایم، ضرورت این تشکل و ادامه کاری حقیقت رادر سراسر جهان، بویژه دربلوك تهران بیش از ۹۰ اتحادیه صنفی برای تجمع آن بیش از هر زمان دیگر خود را نشان شرق مشاهده کرده و برای هزارمین بار کارفرمایان و اصناف وجود دارد، کارگران کشور میدهد. تجربه، عمل و عقل سلیم ثابت

فراخوان

برگزاری سو مین مجمع‌عمو می عاد ی انجمن کارگران تبعید ی

رفقا!

سو مین مجمع‌عمو می عاد ی انجمن کارگران تبعید ی د ر ماه اگو ست برگزار خواهد شد. بهمین جهت ما بار د یگر از کلیه رفقای کارگر ایرانی که ازچنگال رژیم سیاه وضد کارگری جمهوری اسلا می گریخته و د ر کشورهای مختلف بصورت کارگر مهاجر و یا پناهنده سکونت گزیده اند، د عوت می کنیم تا با شرکت فعال د ر این گرد هم آیی د ر راه پیشبرد اهد اف انجمن و برنامه ریزی برای حرکت آینده، قد می هر چند کوچك د ر راه آرمان های طبقه مان برد اریم.

رفقا! با تحولات جهانی که د ر سال ۸۹ رخ د اد و با فرو ریزی رژیمهای اروپای شرقی، فشار سرمایه د اری جهانی به طبقه کارگر هر چه افزون تر شده و بور ژوازی امپریالیستی سر مست از پیروزیهای اخیر خود، د ر صد د است تا د ستاورد های جهانی طبقه کارگر را باز پس بگیرد و آن را بعقب براند. فشاری که هم از جنبه اقتصاد ی و سیاسی و هم از جنبه اید ئولوژیك به طبقه کارگر وا رد می شود، تاثیر خودش را حتی د ر بین کسانی که زمانی خود را باصطلاح مد افع طبقه کارگر می د انستند باقی گذاشته است بطوریکه همین ها امروزه د م از کارگر و منافع او زد ن و د ر راه متشکل شد ن او کوشید ن را چون د شنامی تلقی می کنند و معتقد ند که کارگر د یگر به موزه تاریخ سپرده شده است! و همه این حقایق ضرورت متشکل شد ن بهر د رجه و بهر شکل را برای ما کارگران امری حیاتی نموده است.

د ر این میان ما بعنوان کسانی که سالها د وش بد وش کارگران ایران کار کرده و د ر مبارزات روز مره شان شرکت د اشتیم، وظیفه خود مید انیم که با پیوند با طبقه کارگر محل زند گی خود ورساند ن صدای کارگران ایران بگو ش هم طبقه ایهایشان د ر سایر کشورها و جلب حمایت و همبستگی بین المللی کارگری، د ین خود را ادا نمائیم.

رفقا! اهد اف و وظایف انجمن د ر پلاتفرم مصوبه نخستین مجمع‌عمومی مند رج است و با توجه به بحثهایی که د ر د و مین مجمع‌عمومی حول پلاتفرم و اهد اف انجمن و شکل حرکت آن صورت گرفت، ما از همه رفقا خواستار برخورد جد ی باین مباحثات و احیاناً د ستور جلسه پیشنهاد ی برای مجمع عمو می می باشیم.

ما د ر اینجا بار د یگر از کلیه رفقای کارگری که خواهان پیوستن به انجمن و شرکت د ر مجمع‌عمومی می باشند، د عوت می کنیم حد اکثر تا نیمه اول ماه اگو ست بما اطلاع د هند. طبق اساسنامه انجمن تمام د وستانی که حد اقل د ارای ۲ سال سابقه کار د ر کارخانجات ایران بوده و با بطور ثابت د ر خارج کشور کارگری می کنند، میتوانند به عضویت انجمن د ر آیند.

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران

هیئت اجرائی انجمن کارگران تبعید ی ایرانی

۱۹۹۰/۷/۱۰

www.iran-archive.com

ازصفحه ۲

وضعیت کارگران ایران را منعکس سازیم ؟ نباید همبستگی تشکلها و سازمانهای کارگری بین المللی را برانگیزانیم ؟ نباید زمینه های فشار بین‌المللی به این رژیم ضد کارگری و ضد مرد می جمهوری اسلامی را فراهم کنیم ؟ چه کسی بهتر از ما کارگران وضعیت کارگران ایرانی را درک می کند ؟ ما که سالهاست با گوشت و پوست و استخوان خود بی حقوقی و فلاکت ، بی مسکنی ، عدم وجود بهداشت ، تبعیض سرکوب ، بیکاری را لمس کرده ایم و طعم تلخ گرسنگی را چشیده ایم و رفقای کارگر بیکارمان را که بعد از ساعتها تلاش بیهوده روزانه و دربدر بدنبال کاری گشتن و کمتر یافتن را با چهره ای درهم شکسته و نا امید در کنار خود حس کرده ایم آیا نباید امروز وضعیت بی حقوقی و فلاکت آنها را برای هم طبقه ایهایشان در سایر نقاط دنیا بازگو کنیم ؟

از سوی دیگر با توجه به عدم وجود تشکلهای مستقل کارگری در ایران ، که خود می توانستند حلقه رابطی بین کارگران ایران و کارگران کشورهای میزبان باشند ، وجود یک تشکل پر قدرت و با امکانات و رابطه با تشکلها و سازمانهای کارگری کشورهای میزبان می تواند حلقه واسطی بین کارگران ایران و کارگران این کشورها گشته و بی‌حقوقی کارگران ایران را بگوش هم طبقه ایهایشان برساند . می تواند با اعمال نفوذ در اتحادیه فی المثل بتواند آنها را وادار کنند که علیه شرکت نمایندگان ضد کارگر جمهوری اسلامی در مجامع بین المللی کارگری اعتراض نمایند و حتی قادر گردند این مزدوران را از این مجامع اخراج نمایند .

یک تشکل کارگران مهاجر ایرانی می‌تواند در کنار اتحادیه به کارگران مهاجر ایرانی خدمات حقوقی و راهنمایی های مربوطه را بنماید ، آنها را بحقوق خودشان آشنا سازد و وحدت بین المللی کارگران را تبلیغ نماید و بقول جری تاکر (از رهبران جنبش کارگران آمریکا) " کارگر مهاجر در کنار نیروی مترقی و رادیکال کارگری قرار بگیرد و بخشی از نیروی عمومی برای تغییر و بهتر کردن کل وضعیت کارگری باشد " .

این تشکل می تواند مبلغ همبستگی کارگران بوده و اجازه ندهد که سرمایه‌داران و دولتها با تبلیغات مسموم خود آنها را از رفقای کارگر خود از ملیتهای مختلف به بهانه زبان و رنگ و نژاد و ... جدا سازند کارگران مهاجر و پناهنده ایرانی را تشویق کنند که در اتحادیه ها و تشکلهای کارگری عضو شده و فعالانه در سرنوشت خود شرکت کنند و ...

نکته دیگری که باید اینجا برآن تاکید گذاشت اینست که کارگر مهاجر و پناهنده ایرانی در خارج کشور ، علیرغم اینکه چند سال هم اینجا مانده باشند با تغییرات و تحولات داخلی ، چشم بایران داشته و بر خلاف کارگران مهاجر سایر ملیتها ، اغلب منتظر تحولات سیاسی و اجتماعی در ایران و بوجود آمدن زمینه بازگشت می باشند . اگر امروز این کارگران مهاجر و تبعیدیان سیاسی کارگر سده بتوانند با گرد هم آمدن و ارتباط زنده با تشکلهای کارگری و شرکت در مبارزه و فعالیت روزمره آنان تجربیات ارزنده نسلها کارگران اروپایی را کسب نموده و از شکستها و پیروزیهای آنان درس بگیرند ، فردا که به ایران باز خواهند گشت ، بی گمان انتقال این تجربیات می تواند تاثیر ارزنده ای بر روی تشکل یابی کارگران ایران و برپایی تشکلهای مستقل کارگری داشته باشد .

بنابراین بدرجه ای که این تشکل ، با تشکلهای کارگری در کشورهای محل سکونت خود ، پیوند خورده و بدرجه ای که در مبارزات روزمره آنها خود را سهیم و شریک بدانند و از این کانال به تشکل یابی کارگران ایران کمک کنند ، موفق خواهد بود . پر واضح است که در این صورت و بهمان نسبت ترکیب انجمن تغییر خواهد کرد و غلظت کارگرانی که در خارج کشور و در اینجا کارگری می کنند ، در آن بیشتر خواهد شد .

رضا پایا (آلمان غربی)
۹۰/۷/۲۰

قربانی دیگر !

ما با شنیدن خبر خودکشی " یونس " بسیار متاثر شدیم وبدین وسیله از خانواده ایشان میخواهیم که ما را در غم خود شریک بدانند رژیم جمهوری اسلامی با جنایات بیشمار وایجاد جو اختناق ورعب و وحشت بسیاری از جوانان ایران را وادار به ترک میهنشان کرده است که این همواره درد بزرگی برای هر انسانی است .

مانفرت و انزجار خود را بار دیگر به جمهوری اسلامی اعلام میداریم که موجب قربانی شدن بسیاری از جوانان شده است .

تعدادی از اعضای انجمن ــ واحد هانوفر

خواهیم دیدکه این خود کارگران هستندکه خواهند توانست زنجیربردگی را پاره کنندو همانطورکه در دوران کارگری و نیز درزندگی عادی خود تجربه کردهایهیچ حقی را به ما ندادهاند ، مگر آنکه آنرا گرفته باشیم!اگر حق گرفتنی است نه دادنی ، پس میباید بمثابه کارگرانی که حق خودرا از سرمایهداران میگیرند ، در راستای تحمیل تشکلهای مستقل کارگری به حاکمیت سرمایه در ایران و بخاطر ضرورت تجمع کارگری ، صفوف خود را فشردهتر سازیم وبدین منظور هرچه گستردهتر و فعالتر در مجمع عمومی آینده شرکت کنیم و هر کدام با گرفتن گوشهای ازکار ، انجمن را درپیشبرد اهدافش یاری رسانیم .

اما آنچه حائز اهمیت است ، آنست که انجمن در مجموع تا کنون تشکلی در خود بوده و صرفنظر از گامهای کوچکی که در جهت جلب پشتیبانی و همکاری تشکلهای کارگری کشورهای اروپائی برداشته ، فعالیتش اساسا در چارچوب جمعآوری نیرو و توضیح اهداف و تبلیغ حول پلاتفرم انجمن برای کارگران ایرانی محدود مانده و در واقع هنوز از مرحله تدارک و تهیه مقدمات کار ، فراتر نرفته است . این مرحله از فعالیت انجمن اگرچه برای مدتی لازم بود ، اما باقی ماندن در همین حد و همین محدوده از فعالیت به نظر من "درجازدن" و حتی غیر مفید خواهد بود . بجای محدود ماندن در چارچوب گذشته ، ضروری است مرحله جدیدی ــ که همان پیشبرد عملی اهداف انجمن است ــ آغاز کرده ، فعالیت انجمن را از موضع درخود به موضع تعرضی تبدیل نمائیم! برای این کار باید در جستجوی راههای عملی بمنظور راهیابی به تشکلهای کارگری و مجامع بین‌المللی باشیم . مطمئنا تلاش ما بی ثمر نخواهد بود !

سعید فرهیخته

www.iran-archive.com

پیشنهادی برای چگونگی فعالیت آینده انجمن

از صفحه ۱

هر خوانندهای با مطالعه نشریه و اساسنامه پیشنهادی انجمن تا حد ودی جواب سوالات بالا را میگیرد. اما به اعتقاد من جوابها ی شما بسیار ناروشن و ناکافی میباشد. یا بهتر است بگویم هنوزجواب منسجم شده و روشنی از مطالعه نشریه شما بدست نیاوردهام. این مسائل در بحثهای مجمع عمومی بروشنی نشان میدهد که هنوزجواب ــ های مختلف و درکهای مختلفی پیرامون مسائل اساسی مثل هدف انجمن وشکل کاروتوانائی انجمن وضرورت تشکیلات وحتی هویت خودمان بعنوان بخشی از کارگران درتبعید و ارتباط با جریانات سیاسی ایرانی و... وجود دارد.

به اعتقاد من این مسائل را باید از واقعیتهای اجتماعی جامعه ایران و نقش طبقه کارگر در تغییر و تحولات جاری و آتی در ایران ، موقعیت جنبش کارگری در ایران ، وضعیت طبقه کارگر از نظر اقتصادی و سیاسی و تشکیلاتی و هویت خودمان بعنوان بخشی از فعالین جنبش کارگری در ایران ... جستجو کرد.

هویت ما و وظیفه ما

ما بعنوان بخش کوچکی از فعالین جنبش کارگری ایران که به ناگزیر خارج از کشور رانده شدهایم، خارج شدن ما از ایران نباید به مفهوم خارج شدن از جنبش کارگری ایران تلقی شود.

روشن است که تعلق ما به جنبش کارگری ایران به مفهوم ملی و ناسیونالیستی نیست بلکه بعنوان کسانی که در جنبش مشخصی پرورش یافتهاند و بعنوان کسانی که گذشتهای در این جنبش داشته و میتوانند نقش موثری در جنبش کارگری ایران ایفا کنند مطرح می ــ باشد. اگر دقیقا از زاویه انترناسیونالیستی به این مسئله نگاه کنیم نقش خودمان را روشنتر خواهیم دید.

واقعیت روشنی است که جنبش کارگری ایران پیوند و ارتباطی با جنبش کارگری بین المللی ندارد و این ضعف بزرگی میبا شد. فعالیت ما دراین عرصه میتواند نقش مهمی داشته باشد.

۱ ــ وضعیت جنبش کارگری در ایران بعلت وجود رژیمهای دیکتاتور و سرکوبگرو محروم بودن از تشکیلات مستقل نتوانست در عرصه بین المللی مبارزات و اعتراضات خود را با جنبش بین المللی پیوند زند. نتوانسته است از حمایتهای مادی و معنوی و همبستگی کار ــ گران کشورهای دیگر برخوردار شود. حتی نتوانسته است در عرصه بین المللی خودش را معرفی کند و به کارگران جهان بگوید در ایران چه شرایط غیر انسانی به او تحمیل شده است. از این جهت جنبش کارگری ایران از این امکان بزرگ و نیرو مند بی بهره میباشد. اگر نتواند این ضعف بزرگ را برطرف کند همواره باید زیان آن را حس کند و چوب آن را بخورد.

اگر ما بعنوان بخشی از جنبش کارگری ایران که بنا به شرایطی بر سرا سر دنیا پخش شدهایم نتوانیم این ضعف راجبران کنیم، امکان اینکه طبقه کارگر ایران با این شرایط سیاسی و اقتصادی بتواندبه این سهولت این ضعف را از بین ببرد بسیار کم میباشد.

۲ ــ بعلت شرایط اقتصادی و سیاسی حاکم بر ایران و همچنین جوان بودن جنبش کارگری ایران و نداشتن ارتباط با جنبش کارگری در سراسر جهان از تجربیات و دستاوردهای طبقه کارگر جهان کم بهره مند شده است. طبقه کارگر ایران در چهار دیواری مرزهای ایران زندانی و محدود شده است و جو اختناق و سانسور دولتی در ایران مکمل هم شدهاند تا طبقه کارگر ایران نتواند درک روشنی از مبارزات اقتصادی و رفاهی و صنفی که میتوان در چهارچوب همین نظام بدست آورد و بعضا در بسیاری از کشور ــ های بدست آمده است داشته باشد برای بسیاری از کارگران حق بیکاری ، درمان رایگان ، مسکن مناسب، ۳۵ ساعت کار، ایمنی و حق تشکل، حق اعتصاب و... بصورت کنگ و غیر قابل دسترس میباشد بخشی از تبلیغات و مبارزات روزمره فعالین جنبش کارگری برای ن صرف همین مسائل میشود. و ما میتوانیم در این عرصه ازمبارزات کارگری ایران سهیم باشیم از تجربیات بین المللی کارگران ، ا ز امکاناتی که بدست آوردهاند بصورت زنده تر جمع آوری کنیم و سعی کنیم آنرا در اختیار جنبش کارگری داخل قرار دهیم.

۳ ــ توده وسیعی از ایرانیان بخارج از کشور رانده شدهاندو هنوز هم سیل مهاجرت علیرغم سختگیریها و مشکلات همچنان جریان دارد بعلت وجود بیکاری گسترده مخصوصا در اروپا و ناآشنایی به زبان و جامعه جدید و تازگی داشتن مسئله پناهندگی در تاریخ ایران و علتهای دیگری سبب شده است که هنوز نمیتوان گفت پناهندهایرانی جایگاه اجتماعی و اقتصادی خود را در جامعه جدید پیدا کرده است. زندگی پناهندگی و مهاجرت ملیتهای دیگری که سابقه پناهندگی و مهاجرت آنها قدیمیتر است بروشنی نشان میدهد که در مرور زمان در صف این جماعت پلاریزه طبقاتی صورت گرفته است بخشوسیعی به نیروی کار بدل شدهاند. اقلیتی توانستهاند برای خود دم و دستگاهی مهیا کنند و به کسب و کار استثماری مشغول شوند. بدون شک در مورد پناهندگان و مهاجرین ایرانی نیز این جدایی صورت خواهد گرفت و طیف کارگری شکل خواهد گرفت. از این جهت نقش رفقای انجمن کارگران تبعیدی میتواند در آینده این طیف کارگری تعیین کننده باشد و آگاهانه به استقبال آینده بروند و راهگشای اندیشههای انترناسیونالیستی و مشوق قبول احساس مسئولیت در قبال جنبش کارگری ایران باشند.

۴ ــ جماعت میلیونی از ایرانیان از اقشار مختلف به خارج ازکشور مهاجرت کردهاند و بعنوان اپوزیسیون مخالف رژیم اسلامی در انتظار تغییر و تحولات آتی جامعه ایران میباشند و یا در مسیر این تغییر و تحولات فعالیت میکنند. متاسفانه بعلت ضعفهای جنبش کارگری مبارزات و اعتراضات کارگری و نقش و رسالتی که این طبقه در تغییر و تحولات آتی جامعه ایران ایفا میکند در خارج ازکشو ر انعکاس کم و محدودی دارد. احزاب راست و بورژواهای تبعیدی با در اختیار داشتن امکانات گسترده مالی و تبلیغاتی و حمایتهای بو ــ رژوازی بین المللی سعی میکنند از مبارزات کارگری نامی برده نشود و اگر مجبور شوند نامی از آن ببرند آنچنان آنرا کم اهمیت جلوه میدهند که به لبخند و کراوات چند ساواکی در ایران هم نمیرسد.

www.iran-archive.com

واقعیت هایی که در ایران میگذرد را وارونه جلوه میدهندواعترضات و مبارزات طبقات خودشان یا عناصر تشکیلاتی خود را در اذهان توده خارج از کشور برجسته میسازند، آنچنان مسائل کوچک و حقیر از قبیل " کراوات زدن و لبخند زدن" چند ساواکی در بالای‌شهر تا ریختن " چند قطره چسب قطره‌ای" در قفل ماشین فلان‌حزب اللهی و در حد بالاتر جاسوسی چند افسر ارتش برای امریکا ویا چند حمله نظامی و ترور چند مزدور جمهوری اسلامی را با آب و تاب تعریف و تفسیر میکنند که هر آدمی که قدری از مسائل جاری در ایران دور باشد فکر میکند که واقعا با این حرکات حقیر معجزه‌ای در ایران صورت میگیرد . از این جهت لازم و ضروری است که در مقابل این تبلیغات اخبار کارگری و مبارزات کارگری در ایران را وسیعا پخش کنیم و نشان بدهیم که چه طبقه‌ای و چه جنبشی نقش مهم در تغییر و تحولات آتی دارد و حمایت توده خارج از کشور رادر این عرصه جلب کنیم و خودمان در صف اول کسانی باشیم که از مبارزات کارگری در ایران به شکلها ی مختلف حمایت میکنند.

۵ ــ یکی دیگر از عوارض محروم شدن کارگران ایران از حق وحقوق صنفی و سیاسی، نداشتن صندوق مالی و بودجه کافی در شرایط‌حساس برای گسترش و تداوم مبارزه میباشد. برای نمونه شاید بیاد داشته باشید بعلت فقدان صندوق اعتصاب در دوران قیام و بعد از آن کارگران اعتصابی‌ازقدرت و توانایی پیشبرد و ادامه اعتصاب عاجز شده بودند . یادر حال حاضر بعلت اخراج و نبود تضمین مالی زندگی بسیاری از کارگران و رهبران عملی در خطر جدی میباشد. با توجه به وضعیت اقتصادی و شرایط سیاسی در ایران این امکان برای کارگران بسیار ضعیف میباشد و در شرایط حساس قدرت و فرصت آن ممکن است نباشد. انجمن میتواند برای کمک ، نقش موثری دراین رابطه داشته باشد. میتوان نطفه این نوع تشکیلات و امکانات را فراهم کرد تا در شرایط مشخص بتوانیم امکان بسیج و تحرک در چنین زمینه‌هایی را داشته باشند و در صورت امکان در حال حاضر کمکهای مالی برای خانواده‌های کارگران زندانی و رهبران جنبش کارگری که اخراج شده‌اند، جمع آوری کرد.

۶ ــ بخشی از کارگران ایرانی که بخارج از کشور رانده شده‌اند‌در واقع میتوان گفت بخشی از فعالین جنبش کارگری میباشند. خارج شدن از ایران بمفهوم تغییر ماهیت دادن و تبدیل به چیز دیگری شدن نیست . اگر شرایط و امکانات لازم فراهم آید که این فعالین رابطه نزدیکتری باهم داشته باشند و از تجربیات وامکانات مشترک استفاده کنند و سعی شود واقعا د ر جهت کمک و رفع مشکلات خود و دیگر هم سرنوشتیهای خود تلاش کنند، بدون شک بسیاری از مشکلات حل خواهند شد و درک روشنتری از مسائل‌کارگری و غیره بدست خواهد آمد. از این جهت انجمن میتواند چنین امکانی برای ما باشد.

۷ ــ در رابطه با ضرورت حمایت و همبستگی با مبارزات کارگران جهان و کارگران کشورهایی که مامقیم آن هستیم به اندازه کافی روشن است . این حمایتهابه اشکال مختلف میتواند باشد. هر چقدرهم این کمکها و حمایتها کم و کوچک باشد نباید نادیده گرفت، مهم روح و افکار انترناسیونالیستی خواهد بود. این وظیفه‌ای است که ما به اندازه توانائیمان میتوانیم و باید انجام دهیم.

رابطه انجمن با احزاب و سازمانهای سیاسی ایران

از گزارش مجمع عمومی دوم مندرج در نشریه شماره ۷ چنین برداشت میشود که بعضی از رفقای شرکت کننده در مجمع عمومی مخالف ارتباط و همکاری با احزاب و سازمانهای سیاسی ایران میباشند و این مخالفت تا حد دوری جستن از مسائل سیاسی پیش‌رود. در واقع این رفقا مطرح میکنند که از سازمانهای سیاسی ایرانی ترس و واهمه یا خاطره بدی دارند.

راستش من تا حدودی این ترس را بجا میدانم . اگر قرار باشد باز با همان طرز تفکرو با همان شیوه گذشته پیش برویم هیچ تضمین جدی برای تکرار نشد ن گذشته نخواهد بود.

اگر چه اوضاع و احوال سیاسی نسبت به هشت ده سال گذشته خیلی تغییر کرده است و بهر حال تجربیاتی از گذشته وجود دارد و اگر چه در این مدت بخشی از چپ ایران نیز تغییر کرده است، حداقل حق و حقوق تشکیلات مستقل کارگری را به رسمیت میشناسد و سکتاریسم و مسائلی که سبب شده است تا فعالین جنبش کارگری را در محدوده‌های تنگ سازمانی و فرقه‌ای خود محدود شوند... تا حدودی کاسته شده است اما هنوز بخشی از سازمانها و احزاب چپ ایرانی بجای سازماندهی طبقه کارگر سازمانی حزبی خودرا محور کار ومشغله روز خودقرار می‌دهند و هنوز بقول معروف "یکگاورا برای یک سیخ‌کباب ناقابل‌خود قربانی‌میکنند" از این جهت ترس از گروههای سیاسی ایرانی به اعتقاد من بجا میباشد.

رفقای دیگری خواهان ارتباط و همکاری با احزاب ایرانی و ابراز عقیده آزادانه همه گرایشات میباشند. به اعتقاد م بسیار بجا و درست است . اما این رفقا تضمینی به رفقا یی که از گذشته تجربه ای تلخ دارند نداده‌اند. صحبت میشود که باید" بااعتماد بنفس به این مسئله برخورد کنیم." در است درهرکاری‌بایداعتمادبنفس‌داشت‌ااعتمادبنفس بمتنهائی‌چارسازنیست، به اعتقاد من باید رابطه نزدیک و همکاری بین انجمن یا تشکیلا مستقل کارگری با احزابی که تقابل منافع با تشکیلات کارگری ندارند وجود داشته باشند. و باید همه گرایشات، که با منافع و عملکرد تشکیلات ومنافع‌کارگری درتضاد ودشمنی نیست آزاد باشند ونظرات خود را ابرازکنند. اکثریت درباره آنها تصمیم میگیرد ومهمتر ازهمه این عمل خود گامی درجهت رشد آگاهی‌سیاسی ما خواهد بود.

اما تنها تضمین تکرار نشدن گذشته در این دو مسئله نهفته است ۱ ــ باید سنت جدیدی‌را جایگزین سنتهای گذشته کنیم . تا حا رسم بر این بوده است که احزاب فراخوان داده‌اندو ما آنها حمایت کرده‌ایم. حال باید برعکس قضیه صورت گیرد. تا حا رسم بر این بوده است که فعالین جنبش کارگری سعی کرده‌اند جنبش کارگری را تابع سیاستها و عملکردهای فرقه و دسته خود . اینبار باید سعی شود که سازمانها و احزاب و فرقه‌ها به سمت

www.iran-archive.com

و جنبش کارگری سوق داده شوند.

در مقیاس جهانی ما شاهد قربانی شدن جنبش کارگری به نفع احزاب بودهایم و هستیم. در اروپا بصورت رسمی ما شاهد این هستیم که چگونه اتحادیهها و تشکلات مثلا مستقل کارگری در حقیقت برشاخه کارگری حزب خاصی مثلا سوسیال دمکراتها وغیره تبدیل شدهاند. اگر امروز شماره شمار ۳۵ ساعت کار با سیاستهای حزبی که اتحادیه و تشکیلات کارگری وابسته به آنها هستند جور در نیاید جنبش ۳۵ ساعت کار را قربانی حزب و فرقه مورد نظر میکنند.

در ایران نیز بارها تجربه کردهایم ، چپ متوهم به رژیم ازطریق فعالین خود در جنبش کارگری کارگران را به چاپلوسی و انواع و اقسام تظاهرات مسخره آمیز کشاندهاند . همه این حرکات و به حمایت کشاندنها در شرایطی صورت میگرفت که رژیم اسلامی با صراحت در مقابل جنبش کارگری و کارگران قد علم کرده بود و دستش بخون کارگران آغشته بود. یکروز کارگران را به تولید بیشتر، روز دیگر بدفاع از جنگ و روز بعد دعوت به اعتصاب و مبارزه علیه جنگ و غیره میکردند. بیچاره جنبش کارگری و کارگران مضحکه احزاب و فرقهها شد.

همه این مصیبتها چه در ایران و چه در مقیاس بین المللی از این ریشه گرفت که فعالین و رهبران جنبش کارگری همهٔ هم و غم خود را بر این نهادند که جنبش کارگری را تابع سیاستهای حزب و دسته و فرقه خود سازند اینبار باید احزاب و سازمانهای مدعی کارگری به نفع کارگران بخط شوند. ما میتوانیم این کار را شروع کنیم.

هر کدام از ما برای حزب و دسته خود صدها و هزارها اعلامیه پخش کردهایم ، در دهها آکسیون درست و غلط آنها شرکت کردهایم . امکانات مالی و تدارکاتی برای آنها فراهم آوردهایم به هر سازی که آنها زدهاند ما رقصیدهایم و در حال حاضر نیز جزئی از فعالین و حمایت کنندگان آنها هستیم.

این بار باید آنها اعلامیه و بیانیههای مارا پخش کنند، اینبار باید آنها امکانات مالی و تدارکاتی برای ما تهیه کنند و اینبار آنها باید خود را با منافع و سیاست و عملکرد جنبش کارگری تطبیق دهند. اگر چنین نکنند حقیقتا باید به ماهیت کارگری و انقلابی آنها شک کرد. این کار امکان پذیر است . هر حزب و جریان سیاسی که نخواهد از تشکیلات مستقل کارگری دفاع کند هر حزب و جریان سیاسی که از به هم پیوستن بخشی از فعالین جنبش کارگری در ایران ترس و واهمه داشته باشد و هر حزب و جریانی که از این حرکت مستقل کارگری رو ترش کند حقیقتا بایست به کنار و کل وجود این جریان شک کرد. حقیقتا باید از نزدیک شدن به چنین جریان سیاسی ترسید که مبادا تجربه گذشته تکرار شود.

۲ ــ مسئله دوم تعیین تکلیف با خودمان است :

رفقا، اگر واقعا کارگر هستیم و با همان شهامت کارگری که درمقابل مرتجعترین رژیم و پلیس سرمایه داری قد علم کردهایم با خودمان رک و راست باشیم .

همه ما بخاطر اعتقادات سیاسی و فعالیتهای سیاسی از ایران تبعید شدهایم . ما هر کدام عناصر سیاسی هستیم و دارای اعتقادها ــ های سیاسی و گرایش مشخصی هستیم . این خاصیت ما هیچ عجیب و غریب نیست. جنبش کارگری از ابتدا تا کنون جریانات فکری مختلفی را در خود داشته است . هیچگاه این امکان نبوده است که جنبش کارگری یکدست و یکپارچه از یک گرایش تشکیل شده باشد. در جنبش کارگری ایران نیز به همین صورت بوده است . گرایشات سندیکالیستی، رفرمیستی، اکونومیستی و انواع گرایشات سوسیالیستی در جنبش کارگری ایران وجود دارد. انکار این گرایشات دردی را دوا نمیکند. واقعیتها را با همه زشتی و زیبائیش اعتراف کنیم و بر مبنای این واقعیت ها حرکتمان را شروع کنیم. همه گرایشات کارگری را به رسمیت بشناسیم . تنها گرایشاتی که در مرحله کنونی با منافع و اهداف ما ضدیت دارند را به کنار بگذاریم و به دیگر گرایشات موجود امکان دهیم حرف خودشان را بزنند و ابراز وجود کنند. اما به هیچ وجه نباید اجازه یابند منافع و اهداف تشکیلات را زیر پا بگذارند.

باید قبل از اینکه خود را وابسته به یک حزب و جریان سیاسی بدانیم وابسته به یک طبقه بدانیم و بایستی قبل از اینکه خودمان رابه یک حزب و یا فرقه سوسیالیستی وابسته بدانیم خود را به جنبش سوسیالیستی و کمونیستی وابسته بدانیم.

اگر به انقلاب اجتماعی اعتقاد داریم و اگر اعتقاد داریم که این انقلاب اجتماعی رسالت طبقه کارگر است ، پس باید این واقعیت ساده را نیز قبول کرد که این رسالت فرقه و حزب و سازمان نیست. باید این انقلاب را به صاحبان واقعی آنها واگذار کنیم.

اگر به این اعتقاد داریم که قدرت سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بایدبدست کارگران بیفتد پس باید شرایط بقدرت رسیدن این طبقه را فراهم آوردیم اگر به این اعتقاد داریم در شرایط کنونی جنبش کارگری ایران، به هم پیوستن چند صد کارگر انقلابی و مبارز گام بزرگی برای کارگران است پس بیایید دستمان را بهم حلقه کنیم و به سهم خود گام مثبتی در جهت منافع کارگران برداریم و جنبش مستقل کارگری را سازمان دهیم یا حداقل جزء کوچکی ازاین جنبش باشیم.

در ارتباط با مسائل آئین نامهای که در نشریه شماره ۶ و ۷ نوشته شده است به اعتقاد من موانع اصولی بر سر راه این تشکیلات است که باید برداشته شود.

اگر ما خود را تشکیلات کارگران تبعیدی ایرانی میدانیم پس باید بگوئیم همه کارگران تبعیدی ایرانی که در سراسر این دنیا آواره شدهاند جزئی از ما هستند. یا حداقل اگر بخواهند میتوانند جزئی از ما باشند. این جماعت مورد علاقه ما از کانادا تا امریکا تا اروپا و استرالیاو کشورهای حوزه خلیج و ترکیه و پاکستان پراکنده هستندباید تشکیلات طوری باشد که اگر مثلا چند رفیق کارگری که در کانادا یا استرالیا یا ترکیه و پاکستان خواهان پیوستن به این جریان باشند از حق و حقوق تشکیلاتی برابر با رفقای مثلا آلمان باشند.

ما میگوییم مجمع عمومی بعنوان عالیترین مرجع تصمیم گیری میباشد.

www.iran-archive.com

طبق ضوابط و آیین نامه فعلی کسانی میتوانند در مجمع عمومی تصمیم گیری کنند که توانسته باشند در مجمع عمومی حضور داشته باشند. این واضح است که اگر مجمع عمومی سوم در کانادا تشکیل شودامکان اینکه رفقای شرکت کننده در مجمع عمومی دوم در آن شرکت کنند نیست.

اگر فعالیت ما به چند کشور اروپایی محدود نمیشود یا بهتر است بگویم فقط به آلمان محدود نمیشود که نباید هم بشودو اگر کار ما محدود به یک جمع چند نفره نباشد پس باید شرایطرا طوری فراهم کنیم که واقعا دمکراتیک و سراسری و عملی باشد. این کار شدنی است. بنظر من اگر این چند بند را به اساسنامه اضافه یا اصلاح کنیم مشکل ما تا حدودی حل میشود:

۱ ــ اگر واحدهای کشوری دارای استقلال نسبی باشند و در چهار چوب کلی و سراسری تشکیلات به فعالیت مشغول شوند و برای خود انتخابات، تقسیم کار، مجمع عمومی و غیره داشته باشند و گزارش کار و عملکرد خود را به مجمع عمومی سراسری و هیئت اجرائیه مرکزی ارائه بدهند.

۲ ــ وقتی صلاحیت کلی این واحدها از طرف مجمع عمومی تصویب شد بعنوان نمایندگان انجمن در آن کشورها شناخته میشوندوطبیعتا باید تابع قراردادهای مجمع عمومی و کل تشکیلات مرکزی باشند.

۳ ــ مجمع عمومی بعنوان عالیترین مرجع تصمیمگیری هر سال یکبار در مناسبترین محل برای حضور اکثریت اعضا از طرف هیئت اجرائیه فرا خوانده میشود.

۴ ــ شرکت همه اعضا در مجمع عمومی آزاد است و هر عضو انجمن صاحب یک رای میباشد.

تبصره: الف ــ در صورتی که اعضایی نتوانند در مجمع عمومی شرکت مستقیم داشته باشند میتوانند نمایندگان یانمایندهای از واحد خودبه مجمع عمومی بفرستند. هر نماینده به اندازه تعداد افرادی که نمایندگی او را اعضا کردهاند حق رای دارد.

ب ــ به منظور تحکیم اصول دمکراتیک و روابط رفیقانه برای آن دسته از رفقایی که بعلت مشکلات قانونی و همچنین دوری مسافت و هزینه آن و دیگر موانع که سبب میشوند اعضا نتوانند خود یا نمایندگان آنها در مجمع عمومی شرکت کنند، تصمیمات زیر ضروری است:

۱ ــ حداقل دو ماه قبل از تشکیل مجمع عمومی، هیئت اجرائیه مرکزی باید نظرات و پیشنهادات پایهای و اساسنامهای و یا در واقع دستور جلسه مجمع عمومی را منتشر کند.

۲ ــ آن دسته از رفقایی که امکان شرکت در مجمع عمومی را ندارند میتوانند رای خود و نظرات خود را نسبت به این مسائل بصورت کتبی قبل از تشکیل مجمع عمومی به هیئت اجرائیه و بازرسین تحویل بدهندو یا در صورت بروز مسائلی اساسی و مهم است ودر داخل مجمع عمومی مطرح میشود میتوان رای کتبی واحدهایی که امکان حضور ندارند را بعداز مجمع عمومی دریافت کرد و رای آنها را بحساب آورد.

ج ــ جهت پیشرفت کار و ارتباط نزدیک و سریعتر هیئت اجرائیه، انتخاب هیئت اجرائیه بصورت مستقیم و حضوری میباشد.

د ــ وظیفه مجمع عمومی عبارت است از:

۱ ــ بررسی اصلاحات و پیشنهادات اساسنامهای ۲ ــ انتخاب هیئت اجرائیه و بازرسان ۳ ــ گزارش یک ساله هیئت اجرائیه ۴ ــ تعیین سیاستهای کلی و اصولی دوره جدید ۵ ــ بررسی کار واحدهای کشوری و تشخیص صلاحیت آنها بعنوان نمایندگان انجمن ۶ ــ کنترل و تائید حدود صلاحیت نمایندگان از نظر اینکه هر نماینده صاحب چند رای میباشد و کنترل رایهای کتبی و ...

با در نظر داشتن این مسائل میتوان اساسنامه قبلی را تکمیل کرد به امید اینکه در آینده نزدیک انجمن فعال و محیطی رفیقانه و تشکیلات قوی داشته باشیم.

ج ــ دانمارک ــ ۹۰/۶/۳۰

چشم انداز و فعالیتمان را اصلاح سازیم!

ازصفحه ۱۰

این خواست، خواستی ضد کارگری و غیر واقعی میباشد و علیه کلیه دستآوردهای بین‌المللی کارگری میباشد. جنبش طبقه کارگرسالیان سال است که به بورژوازی توانسته این را تحمیل کند. بخصوص در کشورهای اروپایی و پیشرفته سرمایه داری که کارگران مستقل از تمایزات ملی، نژادی، قومی و جنسی میتوانند حول منافع خود در تشکلات خود متشکل گردند و اقدام ما بمثابه بخشی از کارگران ایرانی که مقیم کشورهای دیگر هستیم میبایست در جهت تقویت این گرایش باشد و نه بر عکس. لیکن متاسفانه بدلیل سهل انگاری و یا عدم درک درست مسئله چنین خواستی در پلاتفرم انجمن کارگران تبعیدی گنجانده شده است، رجوع کنیدبه پلاتفرم انجمن قسمت اهداف بند ۱ " متشکل کردن کلیه کارگران تبعیدی و مهاجر ایرانی ".

درست این است که تشکل ما میباید حلقه واسطی بین تشکلهای کارگری در کشورهای مقیم و ایرانیانی باشد که روز به روز به محیط ــ های کار سرازیر میشوند. ما وظیفه داریم بعنوان بخش کوچکی از کارگران آگاه ایرانی دردها و مشکلات این کارگران رابه آنهایادآوری کنیم و از آنها بخواهیم برای رفع و بهبود مشکلاتشان با کارگران کشورهای مقیم خود متحد و متشکل شوند و برای بهبود زندگی بهتر و انسانی تر دوش بدوش آنها به مبارزه و اعتراض بپردازند و حتی تشکلات کارگری کشورهای محل زیست خود را تحت فشار قرار دهند که کارگران " خارجی " از حقوق و شرایط کاری برابر با کارگران کشورهای مقیم برخوردار گردند. و اضافه برآن درمحیط‌های کار خود و تشکلهای کارگری خود برای ایجاد جلب همبستگی با کارگران ایران تلاش کنند.

ب: جهتی که مربوط به جلب همبستگی و دفاع از کارگران ایران میباشد:

خوشبختانه در این مورد اختلاف زیادی بین اعضای انجمن وجود ندارد. لیکن میبایست تا حدودی نحوه فعالیتمان‌رادر این رابطه روشن تر سازیم و مقداری از حالت شعاری بیرون بیاییم مثلا: لازم نیست ما تیتر بلند بالایی از خواستها و مطالبات کارگران

www.iran-archive.com

دو اعتراض

ازصفحه ۱

چندین بار رسما به نویسندگان این کلمات در انجمن، درهیئت اجرایی و در مجمع‌عمومی قبلی اعتراض کردیم،ولی همچنان نویسندگان بکار خود ادامه میدهند.

چند روز پیش یکی از اعضای انجمن که تا بحال جزو نویسندگان این کلمات بوده و چند بار به وی توضیح داده بودم و وی هر بار با شوخی و خنده قضیه را حل کرده بود یکی از نوشته‌هایش راکه قرار بود در نشریه چاپ شود به من داد که آنرا بخوانم باز هم با لفظ" برادران کارگر" مواجه شدم.

به وی گفتم: که تو باز هم یاد: برادرا ن افتادهای؟ خندید و گفت: از دستم درفتاست گفتم: چرایک بار از دست تو و امثال تـــو " برادران" در نمیروندو" خواهران " جای آنها را پر نمیکنند. راستش برایم عجیب است که کسانی که خو د را کارگران آگاه میداننـــد چنین افکاری دارند و آنرا اشاعه می دهنـــد. آنها اگر در ایران کارگران را فقط مردیدهاند و چشمشان پارس الکتریک، قرقره زیبا، ریسد ـگی هایی از قبیل ناز نمخ ، فرنخ ، مصنخ، فیلیپس، تولیدات دارو، کفش ملی، گـروه صنعتی بهشهر و دهها هزار کارگاه و شرکت را که زنان نقش تعیین کنندهای در روندتولید آن دارند را ندیده میگیرند، میبایـــست طی این چند سال اخیر و زندگی دراروپا چشمشان این را میدید که در اینجا زنان در کلیه عرصههای اجتماعی پا به پای مردان نقش در روند تولید و سامان اقتصادی ــ اجتماعی جامعه دارند و کارگران اروپائی و آمریکایی را " برادران " خطاب نمیکردند.

اعتراض من صرفا از زاویه دفاع از حقو ق زنان و بر علیه مرد سالاری نیست، بلکه از این زاویه هم هست که اینگونه نگرش در اتحاد کارگران خلل ایجاد میکند، مثلا مـا نمیتوانیم مدافع اتحاد کارگران باشیم و بعد در کارخانه استارلایت " برادران کارگر" را دعوت به اتحاد بنمائیم.

تمایز جنسی مانند تمایزملی، تمایز نژادی، سم جنبش کارگری و ابزار اخلال سرمایهداری است ،اگر ما ندیدهایم که چگونه تفرقه د ر صفوفمان ایجاد میکنند، کارگر ترک درمقابل کارگر رشتی، کارگر فارس در مقابل کارگـر کرد، کارگر ایرانی در مقابل کارگر افغانی کارگر اروپائی در مقابل کارگر آسیایی ،کارگر شیعه در مقابل کارگر سنی و بالاخرهکارگـر مرد در مقابل کارگر زن آیا ما که خود را کارگران آگاه میدانیم و معترض به تمام رسم و رسومات ضد بشری دنیای سرمایه زد ه هستیم ، نباید معنای اتحاد و همبستگی کارگری را یکباردیگر بدور از شائبهها برا ی خود هجی کنیم و ببیک خانه تکانی دست بزنیم.

●مال خودم مال خودم، مال دیگران هم مال خودم !

طی چند شماره اخیر نشریه کارگر تبعیدی به صفحاتی برمیخوریم که درآن اخبار جنبش کارگری چاپ شده است . اخباری که ا ز نشریات رژیمهمانند "کاروکارگر" و یـــا نشریات خارجی میباشدهمگی منبع خبری آنها ذکر شده است،ولی بقیه اخبار که متعلق به ایران میباشد،منبع خبری آنها ذکر نشدهاست بلکه فقط دربالای صفحه نوشته شدهاست : بنقل از"نشریات اپوزیسیون"،من نمی فهمکه این کار من درآوردی ازکجا آمدهاست. علت آن از دو حال خارج نیست! ــ یا مـــا از این "اپوزیسیون" دلخور هستیم و نمی‌خواهیم با به کار بردن نام آنها باعثتبلیغ آنها شویم .

بعد معلوم نیست که چرا نام نشریات گروههای خارجی را میبریم. ۲ ــ و یـــا اینکه هراس داریم که اگر اسم آنها را بیاوریم خوانندگان ما را "وابسته" به آنها بداننـــد (که من فکر میکنم این باشد) که بنظرم معنای" وابستگی " اصلا چنین نیست و هیچ خواننده معقولی چنین فکر نمیکند،مگر اینکه ما خود از خود هراس داشته باشیـــم والا سنت روزنامه نگاری و خبر گزاری د ر سراسر جهان چنین است که منبع هر خبری را ذکر میکنند و هیچ کس معنای وابستگـــی به این کار نمیدهد. در ثانی ما به لحـاظ امانت داری کار اشتباهی انجام میدهیم.مـا نباید بخود اجازه بدهیم که اخبار را از نشریات دیگران در بیاوریم و بدو ن ذکـــر منبع در نشریه خود چاپ کنیم.

جانب اینجاست که چند وقت پیش نشریهای بنام جهان یك مطلب از نشریه کارگرتبعیدی را بدون ذکر منبع در نشریه خود چـــاپ کرده بود و آنوقت اعضای انجمن در مجمـع عمومی اول و در نشریه به صاحبان نشریه جهان اعتراض رسمی کردند. حال آیـــا مثال بالا مصداق ندارد؟

ناصر یادگار ــ آلمانغربی ــ سال ۹۰

ایران را در پلاتفرم خود بیاوریم ما همگی نسبت به تمام خواستهـا و مطالبات کارگران ایران سمپاتی داریم و در حد توان خود از آنها دفاع می کنیم .

در پلاتفرم یك بند کافی میباشد وآن اینکه ما ازکلیه خواستههاو مطالبات برحق کارگران ایران دفاع میکنیم .

در این زمینه میبایست از حالت کلی گویی و به همه چیز پرداختن پرهیز کنیم .

در ست این است که چند خواست و مطالبه محوری کارگـران ایران را برجسته سازیم و حول آنها به کمپین گسترده دسـت بیازیم ، خواستهایی از قبیل حق اعتصاب ، حق تشکل و ...و دراینکمپین ازکلیه شخصیتها، جریانات وتشکلهایایرانیوغیر ایرانـــی و مجامع بین المللی بخواهیم که جمهوری اسلامی را برای برسمیـــت شناختن آنها تحت فشار قرار دهند.

لازم به توضیح است که من پلاتفرم پیشنهادی خودم را بر مبنای این نگرش در مجمع عمومی ارائه خواهم داد.

در قسمت مربوط به اساسنامه بنظرم میبایست هر چه بیشتر از تمرکز بکاهیم و واحدهای کشوری و شهری اختیارات لازمه را برای فعالیت خود در این عرصه داشته باشند. مثلا یك هیئت اجرائی بوجود نیاوریم که تمرکز و حق و حقوق ویژهای داشته باشند و هر از چند گاهی اعضا را جمع کنند و از آنها رای گیری بعمل آورنـد فعالیت ما میبایست کاملا به ا قدام ا ز پایین متکی باشد و در جهت بارورتر کردن خلاقیتها و ابتکارات عمل نماید.

با امید به رهایی کارگر از قید بردگی مزدی و ایجاد دنیای انسانی

ناصر یادگار ــ آلمانغربی ــ یولی سال ۹۰

www.iran-archive.com

چشم انداز و فعالیتمان را اصلاح سازیم !

ازصفحه ۱

حرکتی چشم انداز روشنی داشته باشیم ابتدا میبایست نیروی محرکه وضعیت آن و ابعاد کمی و کیفی آنرا بشناسیم.

نیروی محرکه حرکتی که تشکل کارگران تبعیدی میبایست بر بستر آن شکل گیرد کارگران ایرانی هستند که در خارج از ایران بخصوص در اروپا و آمریکا بسر میبرند این نیرو فقط شامل کارگران ایرانی که مجبور به ترک کشور شده‌اند نیست. بلکه طیف وسیعی از ایرانیانی است که در ایران در موقعیت و شرایط کارگری بسر نمیبرده‌اند لیکن بعد از استقرار در کشور مورد اقامت شرایط کارگری رادر مقابل خود دیده یا بزودی خواهد دید. در حال حاضر بخشی از آنها به مراکز کارگری روانه شده‌اند، بخشی دیگر که فعلا یا در حال درس خواندن هستند یا دوره فنی را میگذرانند و یا هنوز سیال بلحاظ موقعیت اجتماعی هستند ولی آنها هم درآینده و طی پروسه‌ای چاره‌ای جز روانه شدن به بازار کار کارگری ندارند بدین مفهوم نیروی محرکه و پیش برنده حرکت کارگر تبعیدی منحصر به اعضای انجمن موجود و یا آن تعداد اندك کارگرانی که از ایران آمده‌اند، نمیباشد. بلکه نیرویی بمراتب وسیعتر میباشد که کارگری که در ایران کار میکرده (و فعلا معلوم نیست چه جایگاه اجتماعی دارد) در مقابل آن بسیار ناچیز می باشد .

و بر این اساس جهت گیریها، مشکلات و مسائل این نیروی وسیع حتی زمانی که میخواهد از کارگران ایرانی دفاع کند ، بامسائل و فعالیتهای انجمن کارگران تبعیدی متفاوت است .

ــ انجمن فعلی چگونه است : این انجمن طبق فراخوان ها و پلاتفرمش خود را بدین گونه تعریف میکند: عده‌ای که خود را از فعالین جنبش کارگری ایران میدانند وظیفه خود میدانند که از مبارزات کارگران ایران دفاع کرده و برای آن جلب همبستگی بوجود بیاورندکه تا اینجا اقدامی درست و موجه در مقابل خود قرار میدهند. لیکن اشکال کار اینجاست که این جمعیت معلوم نیست خود کجای دنیا ایستاده است و از چه رنج میبرد. آنها فقط قصد ادای دین نسبت به کارگران ایران دارند(طبق آخرین فراخوانش و دیگر موضع گیریها و پلاتفرمش) .

این نگرش موضع گیری و فعالیت آدمهای مصلحی را به نمایش میگذارد که خود را هیچ درد اجتماعی ندارد ، بلکه فقط غم درد ــ مردان (بخوان کارگران ایران) رنگش را زرد کرده است مانند روشنفکرانی میمانند که خود درد و مشکل ندارند ولی برای دیگران میخواهند فداکاری کنند. در صورتی که طبقه کارگرو حتی بخشهایی از آن همیشه از موضع یك طلبکار دردمند و حق طلب به دنیا نگاه میکند و اعتراضش از این زاویه است ، حتی زمانی که بخشهایی از آن از بخش دیگر دفاع میکند.

خلاصه اینکه همانطور که در بالا به آن اشاره کردم اقدام بتاسیس انجمن کارگران تبعیدی گامی درست و اصولی بوده لیکن نگرش فوق بر آن سایه دارد، به دلایل زیر:

۱ ــ نیروی‌کارگران تبعیدی را بسیار اندك دیده و آنرادست کم گرفته است .

۲ ــ نسبت به مسائل و مشکلات کارگران در تبعید بی توجه بوده و از کنار رنجهای آنها بسادگی گذشته است .

۳ ــ از موضع یك مصلح بی درد حرکت کرده (شاید یکی از دلایل آن این باشد که این فعالین هنوز در این جامعه سیال و بدون جایگاه اجتماعی هستند و هنوز در گذشته خود بسر میبرند)

۴ ــ جلب همبستگی و حمایت واقعی از کارگران ایران توسط این انجمن امری محال میباشد. خواست آنان برای ایجاد همبستگی و حمایت مانند پراتیك گروههای چپ روشنفکری ایران بود که جلوی دانشگاه برای طبقه کارگر ایران رهنمود صادر میکردند و یا تئوری " پیوند" را ارائه میدادند که خود داستانی مفصل دارد.

در صورتی که همبستگی واقعی و حمایت گسترده از کارگران ایران اساسا میتواند توسط نیروی وسیع کارگران ایرانی متحقق گردد که در کشورهای مقیم در حال کار میباشند ، زیرا آنها بطور روزمره در اماکن و محیطهای کارگری مشغول بکار هستند و در یك رابطه واقعی و تنگاتنگ ، بسیار پایه‌ای‌تر و گسترده‌تر میتواند امرهمبستگی و ایجاد سمپاتی نسبت به وضعیت کارگران ایرانی را عملی سازد.

بنظرم اگر بخواهد حرکت ما عاری از شائبه‌های ناسیونالیسم ،فرقه گرایی و خود ارضایی باشد ، میبایست فعالیتمان دو جهت اساسی داشته باشد :

الف : جهتی که رابطه مستقیم با وضعیت کارگران در تبعید را دارد. طبق توضیحی که در ابتدای نوشته راجع به کارگران در کشورهای مقیم دادم آنها روز بروز بیشتر روانه بازار کار میگردند و این پروسه همچنان ادامه خواهد داشت . تشکل ما میبایست نسبت به موقعیت ، مشکلات و رنجهای آنان حساس باشد.

نکته قابل توجه و حساس در این رابطه این است که فعالیت ما نباید آلترناتیوی در مقابل تشکلات کارگران کشورهای مقیم قرار بگیرد. یعنی ما حق نداریم بلحاظ تمایز ملی خواست متشکل کردن کارگران ایرانی را در کشورهای مقیم داشته باشیم .

درصفحه ۸

www.iran-archive.com